

ایده‌ها و عناصر پایه برای شکل‌گیری نظریات معماری اسلامی

احمد امین پور^۱، عباس جهانبخش^۲، حامد حیاتی^۳

چکیده

نظریات علوم اسلامی با توجه به وصف دینی ای که به همراه دارند، باید بتوانند علاوه بر اثبات حجیت استنادشان به دین، از کارآمدی مناسب و درخور این انتساب بهره‌مند باشند. مبانی فلسفی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روشهای اثبات این حجیت و کارآمدی، قریب به هشتاد سال است که در محافل دانشگاهی ایران و جهان اسلام مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نظریه‌پردازی در زمینه معماری و شهرسازی اسلامی بایستی با توجه به این پشتوانه نظری و تاریخی صورت پذیرد. علی‌رغم اختلاف‌هایی اساسی که در زمینه چگونگی تولید علوم اسلامی بین موافقان علم دینی وجود دارد؛ این مقاله با فرضیه امکان تدوین چهارچوب نظری علوم اسلامی به پشتوانه این تحقیقات، به بررسی آنها پرداخته و مبانی پارادایمی، روش‌شناسی و رویکردهای آن را معرفی نموده است، به نحوی که استناد علم به دین در سه مرحله مبانی علم، اهداف علم و روش علم تحقق یابد. در زمینه مبانی علم، پیش‌فرضهای لازم برای نظریه‌پردازی معماری و شهرسازی اسلامی، در قالب مباحث انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و دین‌شناسی ارائه شده و مرحله روش تولید نظریه با استفاده از نظریه معرفت‌شناسی و روش‌شناسی پارادایم علوم اسلامی و رویکرد علوم اجتماعی و حیاتی مورد تحلیل قرار گرفته است. برای تعیین اهداف نظام معماری و شهرسازی از منظر دین، در چهارچوب نظریه قرارگاه‌های رفتاری، معماری و شهرسازی به عنوان ظرف زندگی جامعه تعریف شده که تعیین اهداف آن نیازمند تبیین مفهوم جامعه اسلامی و تعیین ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های آن می‌باشد. در مرحله ترجمه اهداف اجتماعی دین به زبان کالبد و محیط، نکته مهم و اساسی، توجه به حلقه‌ای واسط است که از آن به نظام فعالیتها و الگوی رفتاری جامعه اسلامی یاد شده و در نهایت کاربرد چهارچوب نظری پیشنهادی و مدل مفهومی جامعه اسلامی در نظریه‌پردازی معماری و شهرسازی اسلامی بیان شده است.

واژگان کلیدی: معماری و شهرسازی اسلامی، نظریه‌پردازی، روش‌شناسی، چهارچوب نظری، علم دینی

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه هنر اصفهان

^۲ abbasjahanbakhsh@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری معماری اسلامی دانشگاه هنر اصفهان

^۳ مدرس حوزه علمیه و دانشجوی دکتری معماری اسلامی دانشگاه هنر اصفهان

۱- بیان مساله

قبل از نظریه‌پردازی در زمینه معماری اسلامی بایستی به این سوال پاسخ دهیم که آیا اصولاً معماری و شهرسازی، قابل «اسلامی» شدن هست؟ و اگر بلی، چگونه؟ جنبه‌ها و مبانی گوناگون فلسفی، معرفت‌شناختی، دین‌شناختی و جامعه‌شناختی دو سوال فوق، مراجعه به آراء اندیشمندان این رشته‌ها را برای متخصصان معمار و شهرساز ضروری می‌سازد. با توجه به پذیرش کلی نظریه جهت‌داری علوم (به خصوص علوم انسانی)، و به منظور حفظ اختصار مطالب، استدلالها و شواهد مربوط به امکان‌پذیری «اسلامی شدن» فقط مورد اشاره کلی قرار گرفته، و در مقابل مبحث چگونگی و مبانی و نظریات مربوط به آن با تفصیل بیشتر مطرح شده است. اهمیت مبحث چگونگی در اینجا است که نظریات و طرح‌های تولید شده با توجه به وصف «اسلامی» ای که به همراه دارند باید اولاً حجیت استنادشان به دین تحصیل گردد و ثانیاً از کارآمدی مناسب و درخور این انتساب بهره‌مند باشند. بدون چهارچوب نظری و روش‌شناسی مناسب، نظریات معماری و شهرسازی اسلامی، یا به اخباری‌گری دچار شده و یا نظریات غربی را به صبغه‌ای دینی منقش کرده و به ورطه قبض و بسط تئوریک شریعت در می‌افتند. این تحقیق با لمس این ضرورت شکل گرفته و کوشیده است تا با همکاری و تعامل بین رشته‌ای، ماحصل مهمترین یافته‌های علوم مرتبط را بررسی و در قالبی قابل کاربرد برای محققین معماری و شهرسازی اسلامی، تحلیل، طبقه‌بندی و ارائه نماید. روش این تحقیق «اسنادی» بوده و مباحث دینی و هستی‌شناسی به جای استنتاج مستقیم از آیات و روایات، از طریق تفاسیر و نظریات برگزیده شیعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. گزینش این تفاسیر با توجه به میزان آشنایی نظریه‌پردازانشان با مباحث علوم انسانی و اجتماعی اسلامی بوده و در این مباحث نظریات فرهنگستان علوم اسلامی قم، تفسیر المیزان، کتب و مقالات شهید مطهری، و نظریات حضرات آیات جوادی‌آملی، محی‌الدین حائری، مصباح یزدی، امام خمینی (ره)، رضوی و هادوی تهرانی بررسی شده‌اند. به منابع مورد استفاده برای سایر مباحث معرفت‌شناسی و روش‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز در بخش بعد اشاره می‌شود. تلاش شده نتایج حاصل از این تحقیق حتی الامکان در قالب نمودارهای مفهومی که استفاده از آن برای متخصصان معماری و شهرسازی سهولت بیشتری دارد، خلاصه گردد. با پذیرش نظریه اندیشه مدون (هادوی تهرانی، ۱۳۸۳) در تبیین مفهوم دین از چهار اصطلاح دین نفس‌الامری، مرسل، نهادی و مکشوف استفاده

شده که توجه به تعریف ذکر شده از آنها در بخش سوم (مبحث دین‌شناسی) به درک بهتر مطالب کمک می‌کند.

۲- مرور ادبیات: نظریه علم دینی، تاریخچه و دیدگاهها

قریب هشتاد سال پیش (دهه ۱۹۳۰) مرحوم ابوالاعلی مودودی به هنگام طرح ایراداتش بر دانشگاه علیگره هند هم مساله تاسیس دانشگاه اسلامی را مطرح کرد و هم مساله اسلامی کردن دانش را: «تجددگرایان کافی می‌دانند که به فهرست دروس، معارف اسلامی را بیفزایند و این از نظر آنان برآورده ساختن مقتضیات اسلام در برنامه آموزشی است. آنها با این کار نه تنها مسلمانان را گمراه می‌کنند، بلکه خودشان را نیز فریب می‌دهند.» (گلشنی، ۱۳۸۸: ۱۵۱) از آن زمان تاکنون همزمان در ایران و جهان شاهد مطرح شدن دیدگاههایی در زمینه جهت داری علوم هستیم؛ بررسی این دیدگاهها می‌تواند امکان پذیری و چگونگی «اسلامی» شدن معماری و شهرسازی را روشن تر سازد.^۴

با کاسته شدن از سلطه پارادایم اثباتی در دنیای علم و انتقادات فراوان به کاستی‌ها و پیش‌فرضهای آن در دنیای غرب به خصوص توسط پارادایمهای تفسیری، انتقادی و فمینیستی (بلیکی، ۱۳۹۱) انتقادات مطرح شده توسط اندیشمندان مسلمان به علوم مدرن در میان صاحب‌نظران داخلی طرفداران بیشتری یافته و بحث جهت داری علوم (علی رغم تعبیرهای گوناگون و برخی مخالفتها) اجمالا نظریه‌ای پذیرفته شده است. (ر.ک: خاکی قراملکی، ۱۳۹۱ و سوزنچی ۱۳۸۸ و پیروزمند ۱۳۸۹ الف)

ولی در مورد چگونگی تولید علوم اسلامی اختلاف نظرهایی اساسی بین موافقان علم دینی وجود دارد که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان دو دیدگاه تذهیبی و تاسیسی را بر شمرد. دیدگاه تذهیبی توسط برخی اندیشمندان جهان اسلام نظیر نقیب العطاس عنوان شده است: «او معتقد است برای تحقق علم دینی باید گزاره‌های ضد دینی را از علوم کنار

^۴ در فضای فکری معاصر جامعه، عمده‌ترین دیدگاههایی که جهت داری علوم را مطرح می‌کنند متعلق به اندیشمندان زیرند:

مهدی گلشنی، خسرو باقری، فرهنگستان علوم اسلامی قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (محمد تقی ایمان، حسین بستان و ...)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (حجج اسلام رشاد، خسروپناه، پارسانیا و ...)، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، موسسه امام خمینی (آیت الله مصباح یزدی)، مهدی نصیری، شهید آوینی، سنت گرایان معنوی نظیر سید حسین نصر، و تا حدی موسسه اسرا (آیت الله جوادی آملی)

گذاشت.» (خسروپناه و همکار، ۱۳۸۹، ۳۸) هر چند که این دیدگاه مربوط به اولین موجهای گرایش به تولید علم دینی است ولی همچنان یکی از پرطرفدارترین نظریات بوده و حتی بسیاری از مشکلات سیاسی و اداری در مدیریت کشور به علت حل نشدن همین اختلاف نظری و سرایت آن به حیطه مدیریت و عمل است. به عبارتی دست آوردهای تمدن غرب در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، دست‌آوردهای «عقلانی، تجربی و جهانشمول» فرض شده و پیروی از آن برای پیمودن راه سعادت ضروری و اجتناب ناپذیر معرفی می‌شود. افراطی‌ترین نحله در این طیف فکری را می‌توان متعلق به نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت دانست. این تئوری تلاش می‌کند کلیه تضادها و موانعی را که اعتقادات و مناسک دینی در سر راه توسعه و مدرنیزاسیون ایجاد می‌کنند با تغییر قرائت دین به نفع علم سکولار حل کند.

بدون حل این اختلاف نظرها در حوزه علم و اندیشه به «فرسایش میان ارزش‌ها و روشهای اداره (جامعه) دچار می‌شویم.» (خسروپناه، ۱۳۹۱: ۲۹) در میان دیدگاه تاسیسی نیز طیف متنوعی از روشها و نظریات وجود دارد که می‌توان پنج دسته زیر را برشمرد:

- رویکردی که می‌توان آن را نگاه چهارچوبی یا مبنایی خواند بیان می‌دارد: «اگر مطالعه طبیعت، جامعه و انسان در چهارچوب جهان‌بینی دینی (اسلامی) انجام گیرد آن را علم دینی (اسلامی) می‌خوانیم و اگر فارغ از جهان‌بینی دینی صورت گیرد آن را علم سکولار می‌نامیم» (گلشنی، ۱۳۸۸: ۸)

نظریات سید حسین نصر را نیز می‌توان در همین دسته جای داد: «در مورد علوم نوین طبیعت، یک علم متافیزیکی پا گرفته در عقل و وحی، و فلسفه طبیعی مبتنی بر آن، می‌تواند نقادی و ارزیابی کشفیات و فرضیات علمی را به دست دهد.» (نصر، ۱۳۸۳: ۱۵۹)

- رویکرد نتیجه‌گرا: این رویکرد با نزدیکی به پارادایم انتقادی هدف علوم اسلامی را ایجاد تحول در جامعه بر مبنای اهداف دین می‌داند. به این معنا علمی دینی است که موجب تحقق اهداف دین در جامعه شود. (رجبی و بستان، ۱۳۸۹: ۱۹)
- نظریه نگرش سیستمی به دین (دین‌گزیده گوی)

بر اساس این دیدگاه، دین، نه بیانگر تمام جزئیات زندگی فردی و اجتماعی تا انتهای تاریخ بوده (نفی دین حداکثری) و نه عرصه‌ای از حیات دنیوی را خالی از رهنمود باقی

گذارده (نفی دین حداقلی) بلکه گزینه‌ها و گزاره‌های استراتژیکی مطرح کرده که قابل تبدیل و ترجمه به شرایط و موقعیت‌های مختلف زندگی بشری بوده و می‌توان راهکارهای مناسب برای اداره حیات اجتماعی و فردی را از طریق همین گزاره‌های استراتژیک و تحت یک نگرش سیستمی به دین تولید نمود. (واسطی، ۱۳۹۱)

- رویکردی پارادایمی: در این نگاه علمی دینی است که هم از مبانی و پیشفرضهای فلسفی (پارادایمی) دین الهام بگیرد و هم با روشی دینی (فقه پویا، احکام حکومتی، فقه اکبر و ...) تولید شود و هم جامعه را به اهداف دین نائل کند. نظریه اندیشه مدون در اسلام ارائه شده توسط آقای مهدی هادوی تهرانی و پارادایم علوم اسلامی ارائه شده توسط محمد تقی ایمان را می‌توان جزء این دسته دانست.

- نظریه فرهنگستان علوم اسلامی قم: «استناد علم به دین در سه مرحله اهداف علم، روش علم و مبانی علم تحقق می‌یابد.» (خسروپناه، ۱۳۹۱: ۲۸) عبارت فوق وجه اشتراک دیدگاه فرهنگستان با رویکرد پارادایمی است. ولی فرهنگستان با نگاهی مبنایی‌تر اصولا اراده را مقدم بر معرفت دانسته و با ارائه دو وصف حق و باطل برای علم (به جای دو وصف صدق و کذب) تعریف متفاوتی از علم ارائه داده و «فلسفه شدن اسلامی» و «منطق شامل» را برای تولید علوم اسلامی ارائه می‌نماید.^۵

مهمترین چالش کنونی در زمینه تولید علوم انسانی دینی، مبحث روش است. روش اجتهاد کنونی، قدرت استناد یافته‌ها به دین را با توجه به تجربه و تلاشهای بیش از هزار ساله فقها دارد ولی این روش مبتنی بر نیازهای فردی بوده و برای علوم اجتماعی دین ناکافی است؛ دو علت اصلی این نقیصه عبارتند از:

- فقه موجود قدرت کافی برای تفکیک عناصر جهانشمول نظامهای اجتماعی از عناصر موقعیتی در دین مرسل و سپس ترجمه عناصر جهانشمول به نمودهای موقعیتی برای

^۵ برای اطلاع از مبانی و نظریات فرهنگستان علوم اسلامی قم به منابع ذکر شده در پایان مقاله از نویسندگان زیر مراجعه شود:

مرحوم سید منیر الدین حسینی هاشمی، سید محمد مهدی میرباقری، عبدالعلی رضایی و علیرضا پیروزمند و نیز وبگاه فرهنگستان به نشانی <http://www.isaq.ir> و برای آشنایی با برخی نقدهای به عمل آمده از این دیدگاه‌ها مراجعه شود به: خسروپناه، ۱۳۹۱، تبیین و تحلیل نظریه دانش ولایی

جامعه معاصر را ندارد. برای رفع این نقیصه نظریه اندیشه مدون ارائه شده و بنیان نظری مناسبی را فراهم کرده است. (هادوی تهرانی، ۱۳۸۳)

اگر فرض کنیم با استفاده از نظریه فوق بتوان عناصر جهانشمول دین در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را استخراج کرده و نمودهای موقعیتی آن را نیز تبیین کرد، آنگاه نقیصه دوم و مهمتر رخ می‌نماید:

- قدرت اولویت دهی و نظام تناسبات:

«برای استنباط احکام «نظام» چه اموری لازم است؟ یکی از بحث‌های اصول، بحث «تزامم» است. (در امور فردی) تزامم در مورد و مصداق است نه در عنوان کلی؛ مانند وقتی که بچه‌ای در آب افتاده و نماز هم نزدیک است قضا شود که می‌گویند حفظ نفس محترمه واجب است و شما باید نماز را به تأخیر بیندازید و بچه را نجات بدهید. به این، «مورد» گفته می‌شود، ولی بین «عنوان» صلّ و آنقد الغریق به صورت کلی و بین «ملاک‌ها» تعارضی وجود ندارد. بنابراین تزامم در «مورد» مطرح می‌شود. این بر خلاف «الگوی تخصیص» است که در آن [فی المثل] می‌گویید: از این منبع درآمد موجود چه سهمی از آن را به این کار و چه سهمی از آن را برای آن کار و چه سهمی را برای کار دیگری اختصاص دهیم (تا جامعه مطلوب اسلامی شکل گیرد).» (حسینی الهاشمی، بی تا: ۳۰)

اگر بین ارکان یک نظام تناسب وجود نداشته باشد کارآمد نخواهد بود، کل، جمع مستقل اجزا نیست با تغییر نسبتها یک «کل» دیگر ساخته می‌شود. (میرباقری، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

بنابراین نظریه مختار این مقاله در مورد علم دینی چنین است:

استخراج عناصر دینی مورد نیاز بر اساس ۱- مبانی دینی و ۲- طبق اهداف دینی و ۳- با روش حجیت دار لازم است ولی کافی نبوده و بایستی بتوان «اولویت‌بندی و نظام تناسبات» این عناصر را نیز (با روشی قاعده مند و تفاهم پذیر و حجیت آور) از منابع دینی استخراج نمود. (افراط و تفریط‌های تاریخی در زمینه زهد، مال اندوزی و ... نشان از اهمیت وجود همین نظام اولویت‌بندی و تناسبات است.)

در زمینه مبانی، غنای مطالب موجود مناسب بوده و به ویژه در دو زمینه انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی، مفاهیم اصلی برای ایجاد پارادایم معماری و شهرسازی اسلامی گردآوری و در بخش بعد ذکر شده‌اند. ولی در زمینه تولید اهداف اجتماعی اسلام، عمده تحقیقات

موجود فاقد نظام اولویتها و تناسبات بوده و بستر نظری مناسب برای تحقیق را فراهم نمی‌نمودند؛ نگارندگان پس از تفحص در تحقیقات و تالیفات دین‌شناسان و جامعه‌شناسان چهار روش کلی را برای اولویت‌بندی و کمیت‌گذاری عناصر اجتماعی اسلام گردآوری نمودند:^۶

۱- روش تحلیل محتوا و گراند تئوری که از سوی معدودی جامعه‌شناسان در تحلیل منابع نقلی مورد استفاده قرار گرفته بود. به عنوان مثال محمد باقر آخوندی (آخوندی، ۱۳۹۰) به این روش و در مدت حدود ۱۰ سال گزاره‌های قرآنی را با توجه به تفاسیر چهارگانه (راهنما، میزان، نمونه و مجمع البیان) مورد تحلیل و کدگذاری قرار داده که صرفنظر از عدم ارائه نتیجه نهایی تاکنون، با این اشکال نظری مواجه است که آیا امر خطیر تعیین سعادت و خط مشی جوامع را می‌توان به این روش موکول نمود و مثلاً میزان تکرار لغوی یک فریضه یا نهاد اجتماعی را دلیل بر اهمیت بیشتر آن نزد شارع دانست؟ و تناسبات جامعه اسلامی را بر این مبنا تعیین و تنظیم نمود؟

۲- روش تجربی که توسط شمار زیادی از محققان جامعه‌شناس و روان‌شناس در مورد موضوعات دینی به کار رفته و در صورت تامین اعتبار و روایی می‌تواند به عنوان نظام تناسبات نهادهای اجتماعی موقعیتی و نه جهانشمول (ر.ک: هادوی تهرانی ۱۳۸۳) مورد استفاده در تحقیق قرار گیرد. به عنوان مثال از تحقیقاتی که نظارت اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر) را موجب کاهش جرم و افزایش امنیت معرفی می‌کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱) می‌توان اولویت نظارت بر امنیت را در تدوین مولفه‌های جامعه اسلامی نتیجه‌گیری نمود. اتکا به این روش با سه مشکل عمده روبروست: اولاً قابلیت تعمیم و اعتبار بیرونی این تحقیقات همسان و کافی نبودند؛ ثانیاً تحقیقات جامعی که بتوان تاثیر و تاثرات و تناسبات کلیه مولفه‌های اجتماعی اسلام را سنجید انجام نشده و شاید تهیه آن به این روش امکان‌پذیر نباشد و ثالثاً این روش قادر به ارائه ضریب اهمیت کمی به هر مولفه نمی‌باشد.

۳- استفاده از خود منابع دینی و تفسیرهای اجتهادی دین‌شناسان مثلاً روایتی که اهمیت سایر واجبات در برابر امر به معروف و نهی از منکر را مثل اهمیت قطره در برابر دریا

^۶ برای آگاهی از دلیل تاکید بر کمی‌سازی مفاهیم و مولفه‌ها رجوع کنید به: رضایی، عبدالعلی؛ 1386، مهندسی تمدن اسلامی

معرفی می‌کند و یا اصل و فرع واجبات و عناصر دینی را مشخص می‌کند، این روش نیز با اشکالات زیر مواجه است: اولاً مقایسه‌های صورت گرفته یا کمی نیستند و یا در صورت کمی بودن بنابر نظر مفسران و فقها ضریب ذکر شده الزاماً قابل استناد نیست؛ اعدادی نظیر چهل، صد یا هزار برای بیان کثرت به کار می‌روند نه الزماً ضریب عددی. ثانیاً این مقایسه و اولویت‌بندی برای همه مولفه‌ها و نهادهای اجتماعی دین ذکر نشده و ثالثاً روایی بودن این شیوه تاثیر عناصر موقعیتی را افزایش داده است. با این وجود این روش نسبت به دو روش قبل حجیت بیشتری داشته و در برخی نتیجه‌گیریهای مقاله از آن استفاده گردید.

۴- روش چهارم برای ضریب‌دهی، اولویت‌بندی و کشف نظام تناسبات جامعه اسلامی، روش عام مدلسازی ابداعی فرهنگستان علوم اسلامی است که از مبانی فلسفی فرهنگستان الهام گرفته است. این روش قدرت ضریب دهی و کمی‌سازی مفاهیم را دارد ولی توضیح آن در قالب یک مقاله نمی‌گنجد.^۷

با توجه به مباحث فوق بخش ابعاد و مولفه‌های جامعه اسلامی با تلفیق روشهای چهارم و سوم ارائه گردید. هر چند استخراج ابعاد و مولفه‌های جامعه اسلامی وظیفه جامعه‌شناسان و عالمان دینی است ولی آشنایی اجمالی متخصصان سایر رشته‌های مرتبط (از جمله معماری) می‌تواند امکان ارزیابی، نقد، گزینش و ترکیب نظریات برتر را برای ایشان فراهم سازد. چهارچوب نظری علم اسلامی در بخش بعد بوسیله گزینش، تحلیل و ترکیب نظریات فوق الذکر ارائه شده است.

۳- چهارچوب نظری علوم اسلامی

فرآیند علمی کسب معرفت از واقعیت که تحت عنوان فرآیند تحقیقات علمی مطرح است، مجموعه سامان یافته‌ای از هنجارها و ارزش‌ها (روش‌شناسی تحقیق) و نیز تکنیک‌ها و ابزارها (روش تحقیق) است که تحت نگاه فلسفی یا چهارچوب نظری که محقق به آن مقید است، هویت می‌یابد. این چهارچوب نظری دارای اجزا و عناصر بشمار می‌آید که

^۷ برای اطلاع از آن مراجعه به منابع زیر توصیه می‌گردد: پیروزمند، 1387، درآمدی بر مبنا و روش عام مدلسازی؛ پیروزمند، 1389، مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی، حسینی الهاشمی، 1386، روش تولید معادلات کاربردی 1؛ حسینی الهاشمی، 1387، روش تولید معادلات کاربردی 2، ذوالفقارزاده، 1384، فقه و معماری

عمداتاً تحت توضیحات هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی از واقعیت طرح می‌شود. بنا به تعبیر گیدنز^۸: «علم بی‌طرف و خنثی معنا ندارد. علم، مستقل از زمینه ایدئولوژیک آن، بی‌معناست.» (ایمان، ۱۳۹۱: ۴۶) اما برای حضور این مباحث فلسفی به سطح علم نیازمند کسب «مدلی منطقی» هستیم؛ پیش‌فرضهای علم را که نقش اساسی در هویت بخشی به علم دارند، می‌توان تحت عنوان پارادایم علم معرفی کرد. پارادایم علم، مدلی است منطقی که حفاصل میان فلسفه و علم بوده و با الهام از فلسفه هدایت‌گر جریان علم است. (ایمان، ۱۳۹۱: ۴۷)

پارادایم ضمن نشان دادن چگونگی درک جهان، چگونگی فایق آمدن بر پیچیدگی‌های واقعیت خارجی را در اختیار محقق قرار می‌دهد و مشخص می‌کند که چه چیزهایی مهم، اساسی، منطقی و عقلایی بوده و از مشروعیت برخوردارند. تاسیس پارادایم جدید، مستلزم نفی تمامی پیش‌فرض‌های پارادایم‌های رقیب نمی‌باشد بلکه ممکن است در برخی از اصول و پیش‌فرض‌ها با آنها در توافق باشد. اما قطعاً اختلاف‌های بنیادینی نیز با آنها خواهد داشت، به گونه‌ای که بتوان به آسانی نام پارادایم جدید را بر آن اطلاق کرد. (حسنی و علیپور، ۱۳۸۶: ۳۲)

پارادایم علم، محمل شکل‌گیری و توسعه نظریات علمی است. بدین معنا که روش‌شناسی علمی، بر اساس پیش‌فرض‌ها یا مبانی پارادایمی طراحی و با اجرای آن، فرآیند تولید علم عملیاتی می‌شود. منظور از مبانی پارادایمی پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی است که در حد واسط میان فلسفه و علم قرار می‌گیرند، یعنی «هر چند محتوای فلسفی دارند، اما به دلیل آنکه ناظر به واقعیت تجربی‌اند، از مبانی فلسفی محض متمایز می‌شوند.» (بستان، ۱۳۹۰: ۱۶۴) روش‌شناسی اصول یک پارادایم را به زبان تحقیق برگردانده و چگونگی توضیح و تبیین، دستکاری، موضع‌گیری یا مطالعه از جهان را ارائه می‌کند. (ایمان، ۱۳۹۱: ۴۹-۴۸) اصطلاح روش‌شناسی تعبیر مختلفی دارد، به یک معنا، روش‌شناسی، «روش تفکر درباره پدیده‌های اجتماعی و مطالعه آنهاست.» (کوربین و اشتراوس، ۱۳۹۱: ۱۹) روش‌شناسی عبارتست از «نظریه و تحلیل در باره نحوه اجرای پژوهش»، «تحلیل مفروضات، اصول و روش‌های اجرا در رویکردی خاص به پژوهش» و یا آنگونه که کاپلان تعریف می‌کند: «روش‌شناسی نه خود روشها بلکه مطالعه (توصیف، تعریف

⁸ Giddens

و توجیه) روش‌هاست. (صادقی و همکار، ۱۳۹۰: ۸۳) «طبیعی است که نظریه در خلاء تولید نمی‌شود، بلکه از یک مجموعه مبادی، اصول موضوعه و مبانی نشات می‌گیرد که همان مبادی و اصول موضوعه روش خاصی را تحمیل می‌کند.» (پارسانیا، ۱۳۸۸: ۴۵) در این مقاله منظور از روش‌شناسی بررسی شیوه تولید نظریات و تعیین استراتژی طرح تحقیق است، و «روش» شیوه آزمون فرضیه و گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌هاست. به تعبیر ساده‌تر، پارادایم، تحقیق را رهبری می‌کند، روش‌شناسی آن را مدیریت می‌کند و روش به اجرا می‌پردازد.^۹ نمودار مفهومی زیر اجزای چهارچوب نظری و ارتباط آنها را در یک تحقیق نشان می‌دهد:



نمودار شماره ۱- عناصر و اجزاء چهارچوب نظری و ارتباط آنها

^۹ «رهبری» به نفوذ در قلوب می‌پردازد و «مدیریت»، ایجاد کالبد و ساختار در سازمان می‌کند، به عبارتی هر سازمان (از جمله سازمان تحقیق) دو بعد دارد بعد جسمی که در حیطه مدیریت قرار می‌گیرد و بعد روحی که تحت نفوذ رهبری سازمان است. (محمدزاده، ۱۳۷۵: ۱۴۳)

هستی‌شناسی ذکر شده در نمودار فوق بر حسب موضوع و زمینه هر تحقیق شامل مباحث مختلفی می‌شود که با توجه به اهمیت و تاثیر در نظریه‌پردازی معماری و شهرسازی اسلامی، سه مبحث انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و دین‌شناسی به همراه مبحث معرفت‌شناسی و روش‌شناسی ذکر گردیده و رویکرد علوم اجتماعی و حیاتی معرفی می‌شود:

۳-۱- انسان‌شناسی:

مرور برخی نقطه نظرات جان لنگ می‌تواند نشان دهنده اهمیت تاثیر انسان‌شناسی در ساخت و تکمیل نظریات معماری و شهرسازی باشد: «کار طراحان محیط به میزان زیادی تحت نفوذ مفاهیم ماهیت انسان است. (لنگ، ۱۳۸۱: ۹۵) انگاره‌های طراحی داخلی، معماری، معماری منظر و طراحی شهری بر مفاهیم ماهیت و مقاصد انسانی استوارند. (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۱۳) بیشتر باورهای معماری مدرن و پست مدرن بر درک ناقصی از قابلیت‌های محیط ساخته شده برای مردم استوار است. به این دلیل که بیشتر انگاره‌های طراحی بر اساس تعریف ناقصی از انسان و رفتار انسانی بنا شده‌اند. (لنگ، ۱۳۸۱: ۹) بنابراین برای تعریف مسائل نظری رشته‌های طراحی مدلی از نیازهای انسانی مورد نیاز است.» (همان: ۲۵)

پارادایم‌های علوم اجتماعی، تعاریف متفاوتی از انسان ارائه داده‌اند:

اثبات‌گرایی، انسانها را افرادی منفعت‌طلب و عقلانی می‌انگارد که نیروهای بیرونی به آنها شکل می‌دهند؛ پارادایم تفسیری، انسانها را موجوداتی برخوردار از آگاهی و اختیار و معنا آفرین تلقی می‌کند و پارادایم انتقادی، انسانها را افرادی خلاق، انطباق‌پذیر و دارای قابلیت‌های ناشناخته می‌داند، که با فریب و استثمار به دام افتاده‌اند. (ایمان، ۱۳۸۸: ۸۱-۸۷)

کلید گم‌شده در مباحث انسان‌شناسی فوق که با تکیه بر مبانی اسلامی می‌توان به آن دست یافت دوکانونه بودن وجود انسان است. (رضوی، ۱۳۸۴) مبحث «فطرت» به تعبیر استاد شهید مطهری ام‌المسائل معارف اسلامی است.^{۱۰} (مطهری، ۱۳۷۱: ۶۳ و ۱۳۷۲: ۸ و ۱۰۵)

¹⁰ شهید مطهری از سوی دیگر با اشاره به تأثیر حیاتی نظریه فطرت و ذکر آن در قرآن، ابراز تعجب و تاسف می‌کند که متأسفانه در کتاب‌های ما، اعم از تفسیر و حدیث و شرح حدیث و فلسفه، بحث‌های مستوفایی راجع به فطرت نشده

ریشه مباحث فطرت در معارف اسلامی به آیه سی از سوره مبارکه روم باز می‌گردد:
«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهِ لَا تَبْدِيلَ لِحَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ
الدِّينُ الْقَیْمُ وَ لَا كَیْنَ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ.»
پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند،
انسانها را بر آن آفریده دگرگونی در آفرینش الهی نیست این است آیین استوار ولی اکثر
مردم نمی‌دانند.

واژه فطرت در این آیه به این صورت در ادبیات عرب کاربرد نداشته و از مفاهیم ابداعی
خداوند متعال در قرآن کریم است. (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۲) نکته کلیدی در انسان‌شناسی
اسلام جدایی فطرت از غریزه است که باعث جداسدن نوع انسان از جنس حیوان شده و
نمی‌توان انسان را حیوان برتر دانست نکته‌ای که آیه چهاردهم سوره مبارکه مومنون به آن
اشاره می‌کند:

«ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا نُّطْفَةً عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا
ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»
علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق می‌فرماید:

«در این جمله سیاق را از خلقت، به انشاء تغییر داده و فرموده: "ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ"
با اینکه ممکن بود بفرماید: "ثم خلقناه..." و این به خاطر آن است که دلالت کند بر اینکه
آنچه به وجود آوردیم چیز دیگری، و حقیقت دیگری است غیر از آنچه در مراحل قبلی بود،
مثلاً، علقه هر چند از نظر اوصاف و خواص و رنگ و شکل و امثال آن با نطفه فرق دارد الا
اینکه اوصافی که نطفه داشت از دست داد و اوصافی همجنس آن را به خود گرفت، به
خلاف اوصافی که خدا در مرحله اخیر به آن داده و آن را انسان کرده که نه عین آن اوصاف
در مراحل قبلی بودند و نه همجنس آن» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۲۵) بنابراین انسان
همان حیوان با کیفیتی برتر مثل حیوان ناطق یا حیوان ضاحک یا حیوان مالک یا اجتماعی
نیست بلکه انشاء فطرت آن را تبدیل به خلقی دیگر نموده است.

است «هر چه انسان جست‌وجو می‌کند، در هیچ جا بحث جامعی راجع به آن پیدا نمی‌کند.» (مطهری، ۱۳۶۳: ۷۴)

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

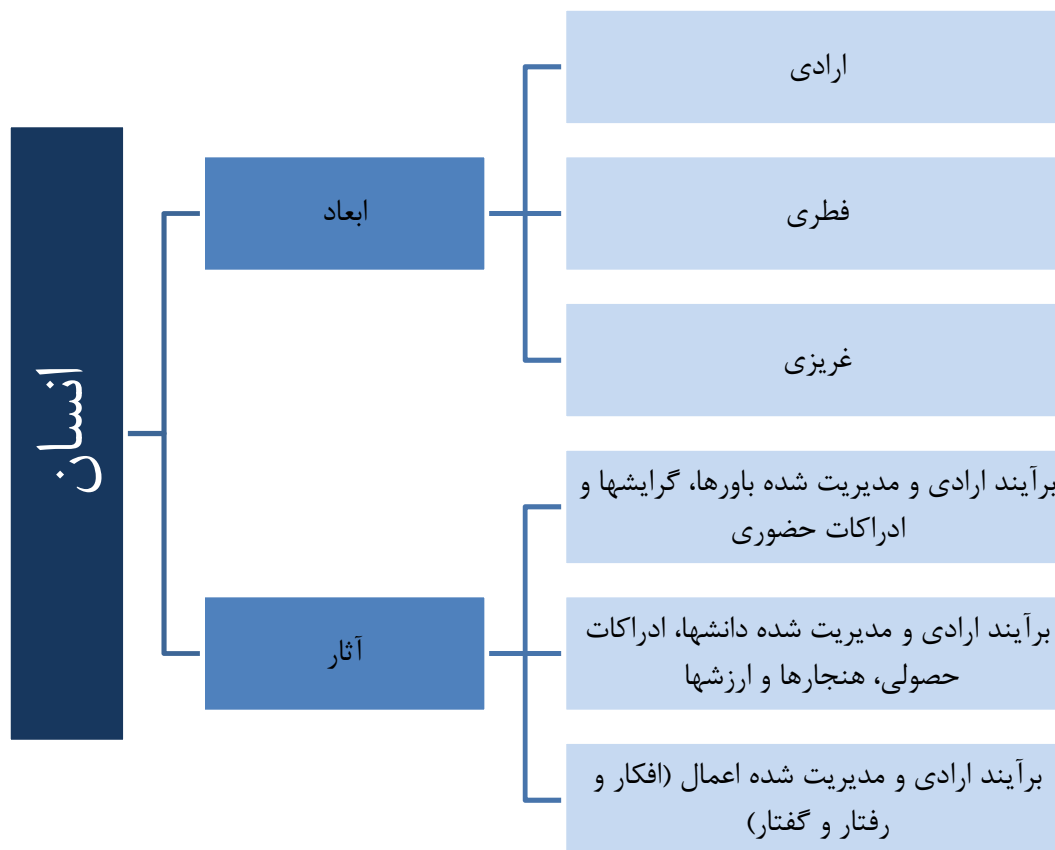
واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

امام خمینی (ره) در شرح جنود عقل و جهل با اشاره به دو فطرت مخمره و محجوبه به این واقعیت اشاره کرده و عقل و کمال طلبی و بیزاری از نقص را از ویژگیهای فطرت مخمره (خمیره الهی) و وهم و شهوت و غضب را از ویژگیهای فطرت محجوبه (غریزه) ذکر می‌کند. (خمینی، ره، ۱۳۷۸)

آیت الله حائری شیرازی در بحث انسان‌شناسی معتقدند که انسان دارای دو بعد اصلی به نام‌های فطرت و طبیعت است. فطرت همه استعدادهای خوب انسان است که خداوند در او به ودیعه گذاشته است. فطرت، انسان را به سوی خوبی‌ها می‌خواند. برعکس، طبیعت، انسان را به دنیا دعوت می‌کند و بر ابعاد حیوانی انسان تأکید دارد. (زاهد، ۱۳۹۱: ۳۰۹)

خطابات دوگانه قرآنی که از سویی انسان را دارای احسن تقویم و از سویی دیگر ظلوم و جهول و هلوع (حریص) و کفور و ... خوانده اشاره به همین واقعیت دوگانه وجود آدمی دارد. (اژدری‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۳) این دو کانون به همراه عنصر اراده و اختیار سه بعد اصلی وجود انسان را تشکیل می‌دهند:



نمودار شماره ۲- مدل مفهومی انسان شناسی اسلامی

۲-۳- جامعه شناسی

یکی از مسائلی که از دیر باز در زمینه مطالعه جوامع مطرح بوده، این است که آیا جامعه با حاصل جمع تک تک افراد مساوی است یا اینکه جامعه چیزی فراتر از آن است و خود، هویت، آثار، انفعالات و حالتهایی مخصوص دارد. با قدری تأمل می‌توان انواع نظریات در این زمینه را به چهار دسته تقسیم کرد: اصالت فردی محض، اصالت فردی، اصالت فرد و جمع، اصالت جمعی محض.

به نظر می‌رسد که از میان این چهار نظریه، نظریه سوم با قرآن کریم بیشتر هماهنگ است. با وجود مخالفت بزرگانی^{۱۱} با این نظریه، شواهد بسیاری بر آن موجود است. (اژدری زاده، ۱۳۸۹: ۷۶) در ادامه نظریات شهید مطهری و علامه طباطبایی در این خصوص به اختصار و اجمال ذکر می‌گردد:

جامعه مرکب حقیقی است از نوع مرکبات طبیعی ولی ترکیب روحها و اندیشه‌ها و عاطفه‌ها و خواستها و اراده‌ها و بالاخره ترکیب فرهنگی نه ترکیب تن‌ها و اندامها. همچنانکه عناصر مادی در اثر تأثیر و تأثر با یکدیگر زمینه پیدایش یک پدیده جدید را فراهم می‌نمایند، افراد انسان که هر کدام با سرمایه‌ای فطری و سرمایه‌ای اکتسابی از طبیعت وارد زندگی اجتماعی می‌شوند، روحا در یکدیگر ادغام می‌شوند و هویت روحی جدیدی که از آن به «روح جمعی» تعبیر می‌شود می‌یابند.

در ترکیب جامعه و فرد، ترکیب، ترکیب واقعی است، زیرا تأثیر و تأثر و فعل و انفعال واقعی رخ می‌دهد و اجزای مرکب که همان افراد اجتماع‌اند، هویت و صورت جدید می‌یابند. (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۶)

قرآن برای «امت»ها (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قائل است. بدیهی است که «امت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد، این امر نشان می‌دهد قرآن به نوعی حیات قائل است که حیات جمعی و اجتماعی است حیات جمعی صرفاً یک تشبیه و تمثیل نیست، یک حقیقت است، همچنانکه مرگ جمعی نیز یک حقیقت است؛ خداوند می‌فرماید: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ»^{۱۲} هر امتی (هر جامعه‌ای) مدت و پایانی دارد (مرگی دارد). پس آنگاه که پایان کارشان فرا رسد، ساعتی عقب‌تر یا جلوتر نمی‌افتند. در این آیه سخن از یک حیات و زندگی است که لحظه پایان دارد و تخلف ناپذیر است، و این حیات به «امت» تعلق دارد نه به افراد. بدیهی است که افراد امت نه با یکدیگر و در یک لحظه بلکه به طور متفرق حیات فردی خود را از دست می‌دهند؛

^{۱۱} آیت الله مصباح یزدی (مصباح، ۱۳۶۸: ۷۳) به تفصیل به نقد موضع جمع‌گرایی (به جمیع معانی آن) از دو دیدگاه عقلی و قرآنی پرداخته است. آیت الله حائری نیز اصالت را نه با فرد و نه با جامعه بلکه اصالت را در هماهنگی فرد و جمع با جهت فطرت میدانند. (حائری، ۱۳۷۰: ۱۰۵)

^{۱۲} سوره مبارکه اعراف آیه ۳۴

و نیز می‌فرماید «كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا»^{۱۳} هر امت و جامعه‌ای به سوی «کتاب» و نوشته خودش برای رسیدگی خوانده می‌شود. پس معلوم می‌شود نه تنها افراد هر کدام کتاب و نوشته و دفتری مخصوص به خود دارند، جامعه‌ها نیز از آن جهت که در شمار موجودات زنده و مکلف و قابل تخاطب هستند و اراده و اختیار دارند، نامه عمل دارند، و به سوی نامه عمل خود خوانده می‌شوند.^{۱۴} و نیز می‌فرماید: «زینا لكل امة عملهم»^{۱۵} عمل هر امتی را برای خود آنها زیبا قرار دادیم این آیه دلالت می‌کند که یک امت، شعور واحد، معیارهای خاص، طرز تفکر خاص پیدا می‌کند، و فهم و شعور و ادراک هر امتی مخصوص خود آن است هر امتی با معیارهای خاصی قضاوت می‌کند (لااقل در مسائل مربوط به ادراکات عملی). هر امتی ذوق و ذائقه ادراکی خاص دارد، بسا کارها که در دیده امتی زیبا و در دیده امتی دیگر نازیباست. جو اجتماعی امت است که ذائقه ادراکی افراد خود را اینچنین می‌سازد.^{۱۶} در تفسیرالمیزان، در این زمینه مطرح شده: اگر جامعه‌ای دارای روح واحد و تفکر اجتماعی واحد (نظام مفاهیم) شد حکم یک فرد انسان را پیدا می‌کند و افرادش همانند قوا و اعضای انسان می‌گردند که ذاتا و فعلا در شخصیت انسان مستهلک می‌باشند. (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۱-۳۴)

«اراده انسانها در همدیگر حضور پیدا می‌کند و یک اراده بزرگ درست می‌کند. اراده‌ها همدیگر را دوست می‌دارند؛ یعنی فردی که در یک واحد لشکر کار می‌کند، کار و موفقیت فرد واحد دیگر را دوست می‌دارد؛ به تعبیر دیگر به فعل همدیگر تعلق دارند که این تعلق ارتباط حقیقی است و نه مجازی. تعلق، رابطه جاذبه است مانند جاذبه زمین که در اجسام حضور دارد و محسوس هم نیست.» (میرباقری، ۱۳۸۷: ۱۲۳)

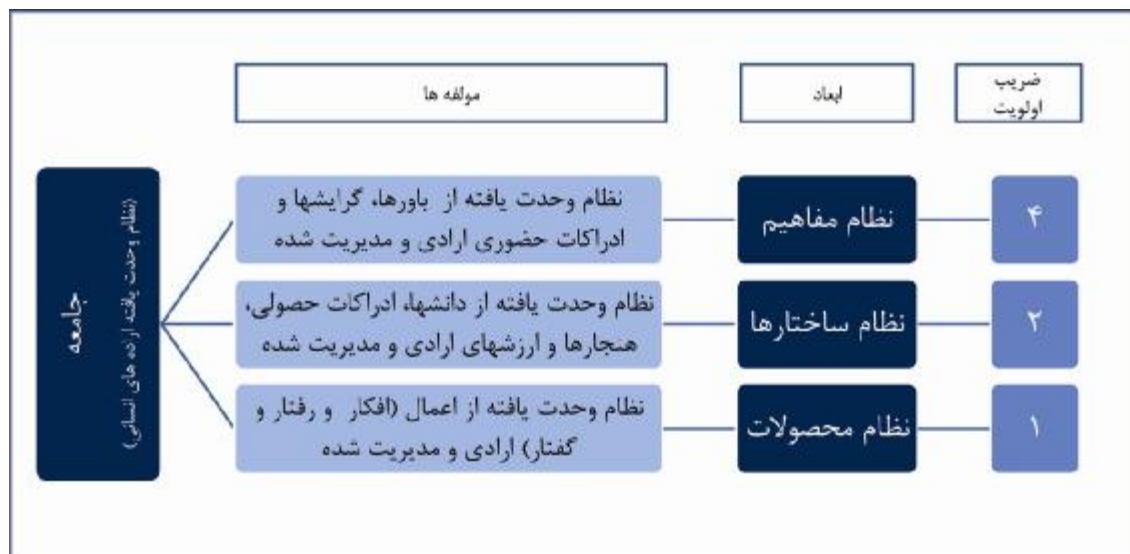
بنابراین در پارادایم جامعه‌شناسی اسلامی، جامعه را می‌توان اینگونه تعریف نمود:
«نظام وحدت یافته اراده‌های انسانی» و با توجه به مبنای انسان‌شناسی و نمودار آن، مدل مفهومی جامعه اسلامی اینچنین تصویر می‌گردد:

¹³ سوره مبارکه جاثیه آیه ۲۸

¹⁴ در این مقاله از این عمل مشترک امت به نظام محصولات جامعه تعبیر شده است.

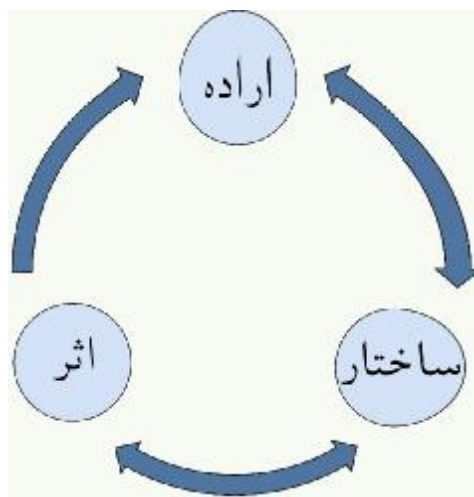
¹⁵ سوره مبارکه انعام آیه ۱۰۸

¹⁶ این جو اجتماعی و نظام هنجارها و ارزشها در نمودار مفهومی جامعه به نظام ساختارها تعبیر شده است.



نمودار شماره ۳- مدل مفهومی جامعه

این نظام وحدت یافته اجتماعی موجب پدیدار آمدن مجموعه مفاهیم و ساختارها و هنجارها و محصولاتی میشود که هم بر اراده فردی اعضای جامعه تاثیر گذاشته و هم از آن تاثیر می پذیرد:



نمودار شماره ۴- ارتباط اراده فردی با ساختارهای اجتماعی

بنابراین یک جامعه دینی جمع جبری افراد دیندار نبوده و نیاز به ساختارهایی متناسب با دین دارد، این مساله پرداختن به موضوعاتی چون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و مباحثی چون اقتصاد یا معماری اسلامی را ضروری می‌سازد.

۳-۳- دین شناسی:

در تفسیر آیه سی سوره مبارکه روم، دین حنیف، همان ولایت ذکر شده است: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِهِ «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» قَالَ هِيَ الْوَلَايَةُ»^{۱۷}
در روایات، ولایت الهی و انبیاء او و اوصیای آنها به صراط المستقیم نیز تعبیر شده است:

«عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ ع قَالَ: لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ حُجَّتِهِ حِجَابٌ فَلَا لِلَّهِ دُونَ حُجَّتِهِ سِتْرٌ نَحْنُ أَبْوَابُ اللَّهِ وَ نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَ نَحْنُ غَيْبَةُ عِلْمِهِ وَ نَحْنُ تَرَاجِمَةُ وَحْيِهِ وَ نَحْنُ أَرْكَانُ تَوْحِيدِهِ وَ نَحْنُ مَوْضِعُ سِرِّهِ.»^{۱۸}

دین، ابزار جریان ولایت الهیه و دینداری تولی به این جریان ولایت است. (ر.ک: میرباقری ۱۳۸۷، پرور ۱۳۹۱، رضایی ۱۳۸۶، پیروزمند ۱۳۸۹ الف) سه روایت زیر به عنوان مثالی در تایید تعریف فوق از دین نقل شده‌اند:

«از حضرت ابا الحسن علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: خداوند متعال در هر یک از اوقات نماز که این خلق (منکران ائمه) نماز می‌خوانند لعنتشان می‌کند. راوی می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم برای چه؟ حضرت فرمودند: چون حق ما را انکار کرده و خودمان را تکذیب نموده‌اند.»^{۱۹}

«حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نامه‌ای به سوی مفضل بن عمر مرقوم فرموده و در آن آمده بود: خداوند متعال هرگز پیامبری را مبعوث نفرموده که مردم را به معرفت باری تعالی دعوت کند ولی نسبت به اوامر و نواهی او سفارشی ننماید. خداوند متعال از بندگان عمل به واجباتی را که با شرائط و اجزایی بر آنها واجب کرده می‌پذیرد مشروط به این که عامل به کسی که به سوبش دعوت شده معرفت داشته باشد. و کسی که می‌پندارد بدون

¹⁷ تفسیر القمی؛ ج 2؛ ص 154

¹⁸ بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج 24؛ ص 12

¹⁹ علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج 2، ص: 913

معرفت نبیّ صلی الله علیه و آله حلال را حلال و حرام را حرام می‌داند قطعاً برای خدا حلالی را حلال و حرامی را حرام قرار نداده است و نیز کسی که بدون معرفت نسبت به آن کس که حقّ تعالی طاعتش را واجب نموده نماز خوانده و زکات داده و حج و عمره برود هیچ عملی را بجا نیاورده، نه نماز خوانده، نه روزه گرفته و نه زکات داده و نه به حج و عمره رفته و نه از جنابت غسل کرده و نه تطهیر نموده، برای خدا حرامی را ترک نکرده و برای او حلالی را اتیان ننموده. نمازی برایش نیست اگر چه رکوع و سجود کرده، زکات و حجّی برایش منظور نکرده‌اند. تنها زمانی این افعال انجام شده محسوب می‌گردند که فاعل آنها را با معرفت داشتن به کسی که حقّ تعالی بر خلائق ممتّ گذارده و طاعتش را بر آنها واجب قرار داده اتیان کرده باشد.^{۲۰}

و «دلیل بر وجوب دفاع از اسلام و مسلمین آن است که ضعیف شدن اسلام در واقع ضعف پیدا کردن ذکر محمد صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد.»^{۲۱}

دقت در معنای دین چهار مفهوم زیر را مطرح می‌سازد که می‌تواند بسیاری از سوء تفاهمات در زمینه رابطه علم و دین را برطرف سازد

الف) دین نفس‌الامری: آنچه در علم الهی و مشیت ربانی برای هدایت انسان به سوی رستگاری وجود دارد، دین نفس‌الامری است. این نسخه رستگاری بشر در لوح محفوظ، حقیقتی عینی و واقعیتی ثبوتی است.

ب) دین مُرسَل: آنچه از سوی خداوند متعال برای هدایت انسان به سوی رستگاری به واسطه‌ی رسولان الهی ارسال شده است، «دین مُرسَل» را تشکیل می‌دهد.

ج) دین مکشوف: آنچه از «دین نفس‌الامری» یا «دین مُرسَل» با مراجعه به عقل یا نقل برای افراد آشکار می‌گردد، «دین مکشوف» می‌باشد.

د) دین نهادی: آن بخش از «دین مکشوف» که عمومی می‌شود و نهادینه می‌گردد و به صورت آیین گروهی از مردم درمی‌آید، «دین نهادی» است. (هادوی تهرانی، ۱۳۸۳: ۲۳)

۳-۴- معرفت‌شناسی و روش شناسی

معرفت‌شناسی عبارت است از «مطالعه اینکه چگونه و چه چیزی را می‌توان شناخت» و «مطالعه معرفت و توجیه آن». معرفت‌شناسی پژوهش به مفروضاتی درباره چگونگی

^{۲۰} علل الشرائع، ج 1، ص: 799

^{۲۱} علل الشرائع، ج 2، ص: 919

شناخت هر چه وجود آن پذیرفته شده است، اطلاق می‌گردد. (صادقی فسائی و همکار، ۱۳۹۰: ۸۳)

تفاوت علم مدرن با دیگر صور آن، در تجربی بودن و یا غیر تجربی بودن آن نیست، بلکه در نحوه تفسیر و قرائتی است که نسبت به معرفت حسی و تجربی دارد. گزاره‌هایی که در نگاه دینی و یا در نگاه مدرن با معرفت تجربی و حسی به دست می‌آیند، مبتنی بر زمینه‌های معرفتی‌ای هستند که هویت تجربی و حسی ندارند. برخلاف آنچه پوزیتویست‌ها گمان می‌برند، نه علم مدرن بی نیاز از معارف دیگری است که از غیر طریق حس به دست می‌آیند، و نه دیگر علوم و دانشها خود را فارغ از ابعاد تجربی و حسی می‌دانند. (پارسانیا، ۱۳۹۱: ۱۰۱) از منظر قرآن کریم، شناخت اجتماعی با سه وسیله و ابزار حس، عقل و وحی به دست می‌آید:

- شناخت حسی: قرآن کریم همانگونه که از مشاهده عالم طبیعت سخن می‌گوید، به نظر در پدیده‌های تاریخی و اجتماعی فرمان می‌دهد: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ»^{۲۲} بگو در زمین سیر کنید و در عاقبت کسانی که قبل از شما بوده‌اند بنگرید.
- شناخت عقلی: قرآن کریم در برخی از آیات نیز انسانها را به دلیل اینکه در سرنوشت اقوام و جوامع تعقل نمی‌کنند نکوهش می‌کند: «وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ وَ بِاللَّيْلِ أَوْ لَيْلاً تَعْقِلُونَ»^{۲۳}
- شناخت وحیانی: قرآن کریم برخی از شناخت‌های اجتماعی را نیز از طریق وحی در دسترس بشر قرار می‌دهد. معارف وحیانی به دو بخش ارشادی (یعنی آنچه انسان را به سوی آنچه عقل می‌شناسد راه می‌برند) و تاسیسی (که در صورت محروم ماندن از آنها انسان در گمراهی آشکار به سر می‌برد: عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ^{۲۴}) قابل تقسیم‌اند. شناخت اجتماعی اگر از وحی و مراتب مختلف عقل بشری استفاده کند، به مراتب مشاهده و توصیف و تبیین ابعاد طبیعی جامعه محدود نمی‌شود و ضمن توصیف و

^{۲۲} سوره مبارکه روم آیه ۴۲

^{۲۳} سوره مبارکه صافات، آیات ۱۳۷ و ۱۳۸

^{۲۴} سوره مبارکه نساء آیه ۱۱۳

تبیین ابعاد تفهیمی و حتی فوق طبیعی جامعه از ابعاد ارزشی، تجویزی و انتقادی نیز برخوردار است. (پارسانیا، ۱۳۹۱: ۲۷۳)

رویکردهای علوم اجتماعی و حیانی: رئالیستی، توحیدی، تبیینی، توصیفی، تفهیمی، تفسیری و انتقادی است. جمع این رویکردها در این علوم، به اقتضای بنیانهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی و همچنین انسان‌شناختی آن است و به همین دلیل با رویکردهای مشابهی که در ذیل مبانی دیگر شکل می‌گیرند، تفاوتی بنیادین و جدی دارد. به عنوان مثال رویکرد تبیینی بر مبنای نگرش پوزیتیویستی اولاً محدود به ابعاد محسوس و تجربی، پدیده‌های اجتماعی بوده و ثانیاً قابل جمع با رویکردهای تجویزی و انتقادی نیست، حال آنکه رویکرد تبیینی توحیدی اولاً بر اساس تفسیر علیت در چهارچوب نگاه دینی انجام شده و ابعاد و ساحت‌های غیر تجربی زندگی اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد و ثانیاً به دلیل ظرفیتهای معرفت‌شناختی عقلی و حیانی موجود در علوم اجتماعی دینی، منافاتی با ابعاد تجویزی، ارزشی و یا انتقادی این علوم ندارد. (پارسانیا، ۱۳۹۱: ۲۸۹)

۴- ابعاد، مولفه‌ها و شاخصهای جامعه اسلامی

بر طبق مبانی پارادایمی ذکر شده در بخش قبل در این بخش به تبیین مفهوم جامعه اسلامی پرداخته شده و ابعاد و شاخصه‌های^{۲۵} آن مشخص می‌گردد. با توجه به تذکرات ذکر شده در بخش چهارچوب نظری، برای استخراج این مولفه‌ها مستقیماً به آیات و روایات مراجعه نشده و به شیوه تحلیل اسنادی مهمترین آثار عالمان و جامعه‌شناسان شیعی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، ذکر آیات و روایات نیز فقط به عنوان نمونه‌ای از آموزه‌های موجود بوده و نتیجه‌گیری بر اساس خبر واحد صورت نگرفته است:

فلسفه و هدف تشکیل جامعه اسلامی:

اسلام هدفی جز توحید را بر نمی‌تابد و هیچ هدفی را در عرض آن قرار نمی‌دهد. (انعام: ۱۶۲) ولی نیل به این توحید هیچ وسیله و راهی جز ولایت ولی و خلیفه خداوند

^{۲۵} برای تعریف سه اصطلاح «ابعاد»، «مولفه» و «شاخص» رجوع شود به: کیوی، ریمون (۱۳۹۱)، صص ۱۲۰-۱۵۶ و پیروزمند (۱۳۸۹ب)

ندارد؛^{۲۶} و اصولاً هدف از تشکیل جامعه، چنگ زدن به ولایت معصومین برای پرواز و رسیدن به قرب الهی و مقام توحید است، بیان شیوای زیر از آیت الله جوادی آملی به خوبی این اصل را توضیح می‌دهد:

اعتصام به حبل الهی، راه را برای صعودی جمعی فراهم می‌آورد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که به تنهایی می‌تواند تا (قاب قوسین أو أدنی)^{۲۷} پرواز کند، مأمور می‌شود که امتی را در این پرواز مدد رساند تا دیگران نیز پر و بال بکشایند و مجموعه‌ای متشکل از امت و امام، هماهنگ و منسجم راه قرب حق را در پیش گیرند: (و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین)^{۲۸}

پس، سیر الی الله صعود است و صعود وسیله می‌طلبد: «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^{۲۹}

اعتصام جمعی و اتحاد و هماهنگی و انسجام بر محوریت حبل الهی، موجب می‌شود همگان در برداشتن بار سنگین مسؤولیت با نشاطی فزاینده مشارکت داشته باشند و براساس «فإن يد الله مع الجماعة»^{۳۰} با قدرتی افزون‌تر، رسالت الهی خویش را به انجام برسانند. (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۳۲)

و اجتماعی سرشته شدن فطرت آدمی و فلسفه تشکیل جامعه به همین دلیل بوده است و تعریف جامعه نیز نه به تعداد افراد بلکه به همین تمسک به ولایت باز می‌گردد؛ همچنانکه در روایت عمیق زیر از پیامبر (ص) نقل شده است: «به پیغمبر صلی الله علیه و آله عرض شد: جماعت امت کیانند؟ فرمود: کسانی که بر حقند اگر چه ده نفر باشند.»^{۳۱} خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً»^{۳۲} ابراهیم (به تنهایی) امتی بود.

۲۶ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ بِنَا عُبَيْدِ اللَّهِ وَ بِنَا عُرْفِ اللَّهِ وَ بِنَا وَحْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى (مرآة العقول فی شرح أخبار آل

الرسول ؛ ج ۲: ۱۲۱)

۲۷ سوره نجم، آیه ۹

۲۸ سوره شعراء، آیه ۲۱۵

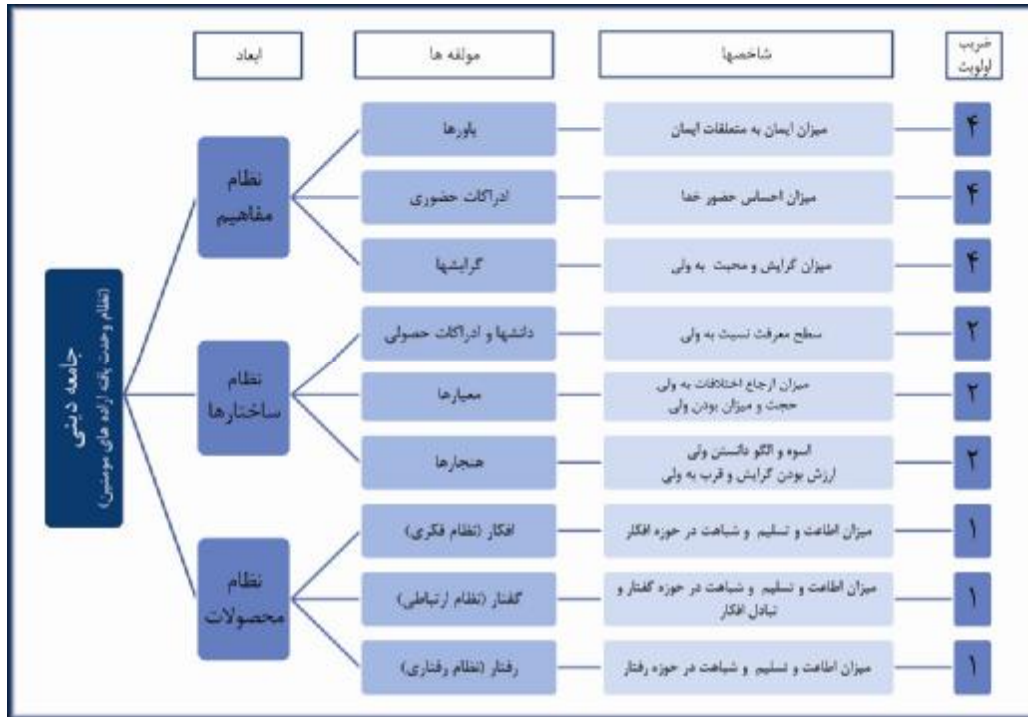
۲۹ سوره مائده، آیه ۳۵

۳۰ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷

۳۱ أصول الكافي / ترجمه مصطفوی ؛ ج ۲ ؛ ص ۲۶۰

۳۲ سوره نحل، آیه ۱۲۰

بنابراین بر مبنای الف- تعریف دین به جریان ولایت الهیه و ب- تعریف جامعه به نظام وحدت یافته اراده‌های انسانی و ج- تقسیم آثار انسانی به سه مولفه ذکر شده در بخش قبل؛ مدل مفهومی جامعه دینی بدین نحو تبیین می‌گردد:



نمودار شماره ۵- ابعاد، مولفه‌ها و شاخصهای جامعه اسلامی^{۳۳}

۵- نظریه پردازی معماری و شهرسازی اسلامی

با استفاده از چهارچوب نظری پیشنهادی، نظریه‌پردازی در زمینه شهرسازی و معماری اسلامی طبق اصول زیر صورت می‌گیرد:

^{۳۳} نظام مفاهیم: نظام وحدت یافته از باورها، گرایشها و ادراکات حضوری ارادی و مدیریت شده

نظام ساختارها: نظام وحدت یافته از دانشها، ادراکات حصولی، هنجارها و ارزشهای ارادی و مدیریت شده

نظام محصولات: نظام وحدت یافته از اعمال (افکار و رفتار و گفتار) ارادی و مدیریت شده

معماری و شهرسازی ظرف زندگی فردی و جامعه انسانی بوده و در صورتی قابل انتساب به اسلام است که:

- ۱- مفاهیم و پیش‌فرضهای پارادایمی خود (هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، دین‌شناسی و معرفت‌شناسی) را در چهارچوب علوم انسانی اسلامی تعریف کند.
 - ۲- نظام اهداف فردی و اجتماعی اسلام را به عنوان اهداف غایی خود فرض کرده و ترجمان فضایی-کالبدی متناسب با آن را ارائه نماید. البته نظام کالبدی و فضایی به تنهایی نمی‌تواند موجد اهداف اجتماعی دین شود (نفی جبریت کالبدی^{۳۴}) بلکه بایستی بستر مناسب برای تسهیل وقوع رفتارهای دینی و تقلیل موانع و بهینه‌سازی فرآیند حرکت اجتماعی به سمت این اهداف را تامین نماید. (برای تقریب به ذهن می‌توان فضای معماری و شهرسازی را به محیط مناسب برای رشد یک گیاه تشبیه نمود، محیط مناسب به تنهایی مولد یک گیاه نیست بلکه باید بذری (نظام شخصیتی و اجتماعی و فرهنگی) موجود باشد، آنگاه می‌توان با متناسب نمودن شرایط محیط، رشد این بذر را تسهیل نموده، موانع را تقلیل داده و فرآیند رشد و رقابت را بهینه‌سازی نماییم به نحوی که با وجود بذر انواع مختلف گیاهان، گیاه مورد نظر ما در محیط تفوق یابد.) نظریه قرارگاههای رفتاری می‌تواند روشن‌گر این مطلب باشد:
- طبق نظریه «قرارگاههای رفتاری» ساختارها یا الگوهای مختلف محیط کالبدی، رفتارهای مختلفی را تامین می‌کنند و قابلیت‌هایی که بر یک فرد یا یک گروه خاص اثر گذار هستند به عوامل پیچیده‌ای چون تمایلات قبلی، تواناییها، بازده و هزینه هر رفتار بستگی دارد. (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۳۱) راجر بارکر^{۳۵} الگوهای رفتار را در ارتباط با مکان کالبدی همان رفتار توصیف می‌کند، یکی از راههای تامین فعالیتها توسط طراحی، استفاده طراحان محیط از نظامهای فعالیت است که مرکب از مدارهای رفتار هستند. طبق تعریف: قرارگاه رفتاری ترکیبی پایدار از فعالیت و مکان است که شامل اجزای زیر می‌باشد:
- فعالیتی بازگشت‌کننده و قابل تکرار یا الگوی جاری رفتار

۳۴ نظریه جبریت محیطی یا کالبدی تحت تاثیر نظریه تکامل در جغرافیا و علوم محیطی اولین بار توسط فردریک راتزل در سال ۱۸۸۳ مطرح شد. (شکوئی: ۱۳۸۸: جلد اول ۲۹)

³⁵ Barker Roger

- طرح خاصی از محیط کالبدی
 - رابطه‌ای سازگار بین این دو یا همساختی
 - دوره زمانی خاص (لنگ، ۱۳۸۱:۱۲۸)
- به این ترتیب «هدف» معماری و شهرسازی اسلامی طراحی و اجرای نظام قرارگاه‌های رفتارهای اسلامی است.
- ۳- پس از مشخص شدن هر الگوی رفتاری خاص که قابل انتساب به نظام فعالیت اجتماعی اسلام بود، بایستی فرضیه‌های اثباتی مناسب برای نحوه تامین قرارگاه‌های رفتاری متناسب با آن تهیه و پس از آزموده شدن، نظریه‌های اثباتی (لنگ، ۱۳۸۱) تولید شده و به نظریه‌های هنجاری کالبدی-فضایی و دستورالعمل‌های لازم برای کاربرد در معماری و شهرسازی اسلامی تبدیل گردند.
- منظور از روش اثباتی این است که فرضیه‌ها آزموده شوند، نه اینکه فقط تولید شوند و به باور درآیند. (لنگ، ۱۳۸۱: ۲۷۸) روش این آزمون هرچند که اثباتی نام گرفته ولی منطبق با فلسفه پوزیتیویستی نبوده بلکه (آزمون) طبق رویکرد علوم اجتماعی و حیوانی صورت می‌گیرد. (ر.ک: بخش معرفت شناسی)
- نظام اولویت‌های عناصر معماری و شهرسازی اسلامی نیز از ترجمان نظام اولویت‌ها و تناسبات عناصر جامعه دینی اخذ می‌شوند.
- مشخص شدن ابعاد، مولفه‌ها و شاخصها جامعه اسلامی در تبیین نظری این مقاله برای طرح نظریات اثباتی در حوزه شهرسازی و معماری اسلامی لازم بوده ولی کافی نیست؛ همانگونه که در بند ۲ تذکر داده شد نظام کالبدی و فضایی به تنهایی نمی‌تواند موجب اهداف اجتماعی دین شود و بایستی نظام رفتاری مناسب برای نیل به اهداف اجتماعی دین سازماندهی گردیده و سپس نحوه ایجاد قرارگاه‌های رفتاری متناسب با آن مورد مشاهده، نظریه‌پردازی و آزمون قرار گیرد. (با استفاده از مثال قبل می‌توان گفت: هر چند «هدف» نهایی از آماده سازی محیط برای یک گیاه و یا درخت، «میوه» و یا «ثمره» آن است ولی تنظیم و طراحی ویژگیهای محیط کالبدی نه مستقیماً بر اساس صفات میوه که بر اساس مشاهده و تبیین فرآیند رشد گیاه (و به منظور اصلاح برخی صفات میوه) صورت می‌پذیرد. مثلاً برای قرمزتر شدن یک سیب، خاک قرمز پای درخت نمی‌ریزیم!)

برای طراحی نظام رفتاری بایستی ابتدا نظام رفتارهای جهانشمول از منابع دین مرسل استخراج و سپس با توجه به شرایط فضا-زمان جامعه به نظام رفتارهای موقعیتی تبدیل شوند.

انجام این مرحله توسط جامعه‌شناسان و رفتارشناسان اسلامی حلقه مفقوده‌ای است که بدون آن چهارچوب نظری معماری اسلامی تکمیل نمی‌گردد. ولی با توجه به متوقف نبودن قطار علمی و اجرایی جامعه و ضرورت ارائه راهکار مناسب برای هر شرایط و موقعیت (ضمن تاکید بر ضرورت جبران نقیصه فوق توسط علوم رفتارشناسی اسلامی) فقدان این حلقه را می‌توان با استفاده از برخی اسناد بالادستی نظیر سند جامع چشم‌انداز و یا نقشه مهندسی فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، تا حدی جبران نمود. تلفیق این اسناد با الگوهای رفتاری دین مرسل و حتی دین نهادی می‌تواند مواد اولیه لازم برای نظریه‌پردازی در زمینه قرارگاههای رفتاری جامعه اسلامی را فراهم سازد.

به عنوان مثال طبق نمودار مفهومی جامعه اسلامی یکی از اولویتهای اصلی اسلامی شدن جامعه افزایش محبت و گرایش به ولی است. و یکی از سازوکارهای رفتاری که خود دین برای این مقصود طراحی نموده برگزاری مراسم عزاداری و به خصوص بزرگداشت واقعه عاشورا است که احساسات و محبت جامعه را برانگیخته و جهت‌مند می‌کند. ترجمه فضایی-کالبدی این رفتار دینی در قالب عناصر موقعیتی متفاوتی انجام شده همچون تکیه‌ها، حسینیه‌ها، میادینی نظیر امیر چخماق و ... این نهاد جهانشمول، سازوکاری موقعیتی داشته و باید در شرایط فضا-زمان خود به نظریات شهرسازی تبدیل شود. هرچند که برخی حسینیه‌ها استفاده‌های مختلفی داشته‌اند ولی نفس نامگذاری آنها نیز به جهت دهی اجتماعی می‌انجامد، بر اساس این تجربه و پس از مشاهده الگوهای رفتاری در این زمینه می‌توان فرضیه‌های شهرسازی و معماری مختلفی مطرح کرده و پس از آزمون آن در صورت تایید و با رعایت قابلیت تعمیم، نظریه مناسب را استخراج نمود.

سه ایراد محتمل نظریه‌پردازی (که نمونه‌های متعددی هم دارد) شامل موارد زیر است:

- نظریه به منظور ترجمه مستقیم اهداف (فرض شده) دین به فضای کالبدی بر اساس تجربیات و نظریات شخصی ارائه می‌شود.
- نظریه پس از تولید شدن به باور در آمده و به آزمون گذارده نمی‌شود.

- نظام اولویت‌ها و تنظیم تناسبات در نظام معماری و شهرسازی ملحوظ نشده و نظریات اثبات شده در قالبی نامشخص ترکیب می‌شوند.
شاید مثال زیر بتواند نقیصه‌های فوق را ملموس نماید:
مثال: احساس حضور خدا یکی از اولویتهای اصلی جامعه دینی است، پس ما باید خانه‌ها و شهرها را رو به قبله بسازیم تا یاد خدا و احساس حضور او افزایش یابد. این یک نظریه هنجاری غیر روشمند بوده و منظور از دخالت ندادن ارزشها در نظریات که در محافل علمی مطرح می‌شود همین شیوه است.
فرآیند نظریه‌پردازی طبق چهارچوب پیشنهادی این مقاله، شامل مراحل زیر می‌باشد:
۱- شروع تحقیق با یک پرسش آغازی در راستای جهت‌گیریهای کلی جامعه دینی و سعی در هر چه دقیق‌تر و واضح‌تر کردن این پرسش و مشخص کردن محدوده آن
۲- مطالعات و مصاحبه‌های اکتشافی برای آشنایی با سابقه (ادبیات موضوع) و انجام اصلاحات احتمالی بر روی فرمول بندی پرسش آغازی
۳- صورت‌بندی یک فرضیه موقت بر اساس مرحله اکتشافی که بستر مناسب برای مشاهدات را فراهم می‌کند.^{۳۴}
۴- استفاده از چهارچوب نظری علوم اسلامی و تدوین طرح نظری مساله تحقیق
۵- انتخاب یکی از روشها و رویکردهای علوم اجتماعی و حیانی متناسب با موضوع و زمینه تحقیق و آزمون فرضیه
۶- آزمون فرضیه و انجام اصلاحات احتمالی بر روی فرضیه و یا اثبات و رد آن (مشاهده و تبیین (فهم) الگوهای رفتاری مرتبط با طرح تحقیق و مشاهده و تبیین (فهم) قرارگاههای رفتاری‌ای که این فعالیتها در آنها رخ می‌دهد، در این مرحله صورت می‌پذیرد.)
۷- در صورت تایید فرضیه، نظریه هنجاری مناسب از آن استخراج و با ملحوظ داشتن قابلیت تعمیم، کاربردی می‌شود.

^{۳۴} برای اطلاعات بیشتر در زمینه مرحله مطالعات اکتشافی منبع زیر قابل استفاده است: کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک وان؛ ۱۳۹۲، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، چاپ دهم، نشر توتیا

۸- با توجه به ضریب اولویت رفتار مورد مطالعه در نظام فعالیتهای جامعه اسلامی و میزان تاثیر نظریه کالبدی در بهینه سازی این الگوی رفتاری، جایگاه این نظریه اثبات شده در نظام معماری و شهرسازی و ضریب اولویت و تناسب آن مشخص و تعیین گردد. مثلا چنانچه پس از طی مراحل ۱ تا ۷ بتوان نظریه‌ای اثبات نمود که بر مبنای آن وجود فضایی به نام مصلی در خانه و با کیفیتی مشخص، در افزایش احساس حضور خدا (به عنوان یکی از شاخصه‌های هدف جامعه اسلامی) موثر می‌باشد و از طرف دیگر اگر یک الگوی رفتاری برای جامعه اسلامی در حوزه خانواده تعداد فرزندان بیشتر باشد و نظریه‌ای اثبات شده در مورد تاثیر مثبت تعداد اتاقهای خواب خانه بر این الگوی رفتاری در دست باشد اولویت و تناسب جمع بین دو نظریه فوق (مصلی و اتاق خواب) در شرایط دارای محدودیت، با توجه به تذکر بند ۸ انجام می‌پذیرد. اولییتی که هرچند ریشه در شاخصهای جهانشمول جامعه دینی دارد، ولی در هر شرایط و موقعیت فضا-زمانی می‌تواند متفاوت باشد.

۶- نتیجه گیری

فرآیند علمی کسب معرفت از واقعیت که تحت عنوان فرآیند تحقیقات علمی مطرح است، مجموعه سامان یافته‌ای از هنجارها و ارزش‌ها (روش‌شناسی تحقیق) و نیز تکنیک‌ها و ابزارها (روش تحقیق) است که تحت نگاه فلسفی یا چهارچوب نظری که محقق به آن مقید است، هویت می‌یابد. بر مبنای چهارچوب نظری پیشنهادی این مقاله، استناد نظریات معماری و شهرسازی به اسلام باید در سه مرحله انتخاب مبانی، تبیین روش و تعیین اهداف، کنترل و هدایت شود:

۶-۱- مبانی:

مبانی پارادایمی نظریات معماری و شهرسازی شامل نظریات انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، دین‌شناسی و معرفت‌شناسی زیر است:
انسان‌شناسی: انسان فقط «حیوانی» تکامل یافته نیست و انشاء مرحله فطرت او را موجودی متفاوت ساخته هر چند که غریزه حیوانی به صورتی تکامل یافته در او موجود است. بنابراین انسان دارای سه بعد اراده، فطرت و غریزه است.

جامعه‌شناسی: جامعه مرکب حقیقی است از نوع مرکبات طبیعی ولی ترکیب روحها و اندیشه‌ها و عاطفه‌ها و خواستها و اراده‌ها و بالاخره ترکیب فرهنگی نه ترکیب تن‌ها و اندامها. جامعه نظام وحدت یافته اراده‌های انسانی و دارای سه بعد «نظام مفاهیم»، «نظام ساختارها» و «نظام محصولات» است.

دین شناسی: دین، ابزار جریان ولایت الهیه و دینداری تولی به این جریان ولایت است. جامعه اسلامی: نظام وحدت یافته اراده‌های مومنین و دارای ابعاد، مولفه‌ها و شاخصه‌هایی است که در مدل مفهومی ذکر شد.

معرفت‌شناسی و روش‌شناسی: برخلاف آنچه پوزیتویست‌ها گمان می‌برند، نه علم مدرن بی نیاز از معارف دیگری است که از غیر طریق حس به دست می‌آیند، و نه دیگر علوم و دانشها خود را فارغ از ابعاد تجربی و حسی می‌دانند. از منظر قرآن کریم، شناخت اجتماعی با سه وسیله و ابزار حس، عقل و وحی به دست می‌آید. رویکردهای علوم اجتماعی و حیانی: رئالیستی، توحیدی، تبیینی، توصیفی، تفهیمی، تفسیری و انتقادی است. جمع این رویکردها در این علوم، به اقتضای بنیانهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی و همچنین انسان‌شناختی آن است و به همین دلیل با رویکردهای مشابهی که در ذیل مبانی دیگر شکل می‌گیرند، تفاوتی بنیادین و جدی دارد.

۶-۲- روش:

مراحل پیشنهادی فرآیند نظریه‌پردازی در زمینه معماری و شهرسازی اسلامی در بخش قبل تشریح شد. (سوال آغازین و تحدید و تدقیق آن، مطالعات اکتشافی، طرح نظری، انتخاب رویکرد و روش شناسی، آزمون و مشاهده، صورت بندی نهایی نظریه اثباتی و استخراج نظریه‌هنجاری بر مبنای آن و توجه به نحوه و تناسبات ترکیب نظریات اثبات شده مختلف)

۶-۳- هدف:

«هدف» نظام معماری و شهرسازی اسلامی طراحی و اجرای نظام قرارگاههای رفتارهای اسلامی است، نه ترجمه مستقیم اهداف اجتماعی اسلام.

۶-۴- اولویت‌بندی، هماهنگی و کارآمدی:

کارآمدی نظریات مطرح شده نیز منوط به وجود الگوی تناسبات و اولویتهای نظام معماری و شهرسازی است، ضریب اولویت‌بندی پیشنهادی ابعاد سه گانه جامعه در این مقاله، بر اساس روش عام مدلسازی فرهنگستان علوم اسلامی قم صورت پذیرفت.^{۳۷}

منابع

آخوندی، محمدباقر و جمشیدی‌ها، غلامرضا (۱۳۹۰)، روش شناسی مفاهیم و مقولات جامعه شناختی در قرآن کریم، فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی، سال پانزدهم، شماره چهارم، صص ۱۲۲-۱۳۷

اژدری زاده، حسین (۱۳۸۹)، مبانی هستی‌شناسانه جامعه اسلامی، دوفصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۸۹، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، صص ۵۵-۸۴

ایمان، محمد تقی (۱۳۹۱)، فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه بستان، حسین (۱۳۹۰)، راهبرد پارادایم سازی اسلامی در حوزه جامعه شناسی خانواده و جنسیت، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۱۶۳-۲۰۹

بلیکی، نورمن (۱۳۹۱)، پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی، ترجمه سید حمیدرضا حسنی، محمدتقی ایمان، سید مسعود ماجدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه پارسانیا، حمید (۱۳۸۸)، روش‌شناسی علوم انسانی با رویکرد اسلامی، دوفصلنامه پژوهش، سال اول، شماره دوم، صص ۳۹-۵۳

پارسانیا، حمید (۱۳۹۱)، جهان‌های اجتماعی، قم، کتاب فردا پرور، اسماعیل (۱۳۹۱)، احکام حکومتی، چرایی، چیستی و چگونگی، قم، کتاب فردا پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۹ الف)، قلمرو دین، تهران، عابد پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۹ ب)، مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی، قم، فجر ولایت پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۷)، درآمدی بر مبنا و روش عام مدلسازی، قم، فرهنگستان علوم اسلامی، چاپ داخلی

۳۷ توضیح فلسفه و روش این ضریب دهی، در گنجایش این مقاله نبوده و منابع قابل استفاده در انتهای بخش دوم مقاله ذکر شد.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

رجبی، محمود و بستان، حسین (۱۳۸۹)، مبانی ارزش شناختی جامعه شناسی اسلامی، دوفصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۸۹، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، صص ۷-۲۴

رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۶)، مهندسی تمدن اسلامی، موانع و الزامات، قم، فجر ولایت رضوی، مرتضی (۱۳۸۴)، انسان و چیستی زیبایی، نسخه الکترونیکی کتاب در سایت مولف به نشانی: <http://www.binesheno.com>

ذوالفقارزاده، حسن (۱۳۸۴)، فقه و معماری، پایان نامه دکتری معماری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، وحدت جوامع در نهج البلاغه، گردآوری سعید بندعلی، قم، اسرا حسنی، سید علیرضا و علیپور، مهدی (۱۳۸۶)، روش شناسی اجتهاد و اعتبار سنجی معرفتی آن، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، شماره ۵۰

حسینی الهاشمی، سید منیرالدین (۱۳۸۶)، روش تولید معادلات کاربردی ۱، قم، فرهنگستان علوم اسلامی، چاپ داخلی

حسینی الهاشمی، سید منیرالدین (۱۳۸۷)، روش تولید معادلات کاربردی ۲، قم، فرهنگستان علوم اسلامی، چاپ داخلی

حسینی الهاشمی، سید منیرالدین (بی تا)، جزوه آموزشی فلسفه شدن اسلامی، قم، فرهنگستان علوم اسلامی، چاپ داخلی

حائری شیرازی، محی الدین (۱۳۷۰)، بحثی درباره جامعه شناسی اسلامی، شیراز، دانشگاه شیراز خاکی قراملکی، محمدرضا (۱۳۹۱)، تحلیل هویت علم دینی و علم مدرن، قم، چاپ سوم، کتاب فردا خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۱)، تبیین و تحلیل نظریه دانش ولایی، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، سال ۱۸، شماره ۷۱، صص ۹-۴۴

خسروپناه، عبدالحسین و بابایی، قاسم (۱۳۸۹)، چیستی و گستره علم دینی از نظرگاه آیت الله جوادی آملی، فصلنامه اسرا، سال سوم شماره دوم، صص ۲۷-۴۸

خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۹)، آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار
زاهد، سید سعید (۱۳۹۱)، جامعه شناسی اسلامی در ایران، مجموعه مقالات دومین کنگره ملی علوم انسانی در بستر فرهنگ و ارز شهای اسلامی، جلد سوم، صص ۳۰۱-۳۱۴، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خرداوا ۱۳۹۳

سوزنچی، حسین (۱۳۸۸)، معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

شکوئی، حسین (۱۳۸۸)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران، چاپ یازدهم، گیتاشناسی
صادقی فسائی، سهیلا و ناصری راد، محسن (۱۳۹۰)، عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۸۰-۱۰۰
کوربین و اشتراوس (۱۳۹۲)، اصول تحقیق کیفی، ترجمه ناهید دهقان نیری و همکاران، تهران، نشر اندیشه رفیع

گلشنی، مهدی (۱۳۸۸)، از علم سکولار تا علم دینی، تهران، چاپ چهارم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

لنگ، جان (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین، چاپ پنجم

کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۹۲)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، چاپ دهم، نشر توتیا

محمدزاده، عباس (۱۳۷۵)، نسبت میان مدیریت و رهبری، نشریه علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۴۳-۱۵۱

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی

مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، نقدی بر مارکسیسم، تهران، انتشارات صدرا

----- (۱۳۷۰)، فطرت، تهران، انتشارات صدرا

----- (۱۳۷۱)، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، (انسان و ایمان)، تهران، انتشارات صدرا

----- (۱۳۷۲)، جامعه و تاریخ، تهران، چاپ پنجم، انتشارات صدرا

میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۸۷)، ولایت الهیه، قم، کتاب فردا

نصر، سید حسین (۱۳۸۳)، انسان و طبیعت، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۸۳)، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، قم، چاپ دوم، موسسه فرهنگی خانه خرد

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۱)، نگرش سیستمی به دین، مشهد، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام

منابع روایی

به منظور افزایش دقت و حفظ امانت، متن عربی و ترجمه فارسی روایات ذکر شده در مقاله با نسخه دیجیتالی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم (نرم افزار جامع الاحادیث، ویرایش ۳/۵) مطابقت داده شده و اطلاعات کتابشناختی منابع مورد استفاده زیر، بر اساس نسخه به کار رفته در این نرم افزار می‌باشد:

ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامة و التبصرة من الحيرة، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشريف، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ۲ جلد، انتشارات مؤمنین - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش.

حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰) و حکیمی، محمد و حکیمی، علی - آرام، احمد، الحیاء / ترجمه احمد آرام، ۶ جلد، تهران، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، ۱ جلد، بیدار - قم، ۱۴۰۱ ق.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۲ جلد، دار الكتاب - قم، چاپ: سوم، ۱۴۰۴ ق.
کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی / ترجمه مصطفوی، ۴ جلد، کتاب فروشی علمیه اسلامیة - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۹ ش.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ جلد، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.